

انترناسیونال

دوره دوم
۱۹



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

www.m-hekmat.com

سردبیر: فاتح بهرامی

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416

جمعه، ۴ اردیبهشت ۱۳۸۳

۲۳ آوریل ۲۰۰۴

هر سه شنبه و جمعه منتشر میشود

| | | | |
|--|---------------------|---------------------|------------------------|
| گرامیداشت قربانیان میکونوس | مانیتور | کارگر کمونیست ۵ | سارروز حمله به دانشگاه |
| تظاهرات فدراسیون در دفاع از حقوق پناهجویان در سوئد | تنظیم: سیاوش دانشور | سه شنبه منتشر میشود | دیپلماسی تروریستها |
| صفحه ۴ | صفحه ۴ | | صفحه ۴ |

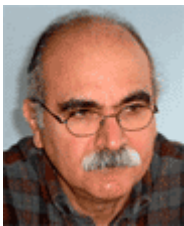


ستون اول حمید تقوائی

پرچم یک دنیای بهتر در برابر توحش جهان سرمایه داری

زنده باد اول ماه مه

پیام حمید تقوائی لیدر حزب کمونیست کارگری
بمناسبت روز جهانی کارگران



مشتی انگل بیکاره با بانکها و ارتشها و دولت‌هایشان بر کل جامعه بشری حکومت میکنند. این دنیا باید زیرورو شود. نه تنها کارگران بلکه اکثریت

صفحه ۲

نابرابری، و سلطه جهل و خرافه و مذهب و ناسیونالیسم و قومپرستی بر مقدرات انسانهاست. این جهان سرمایه داری است. جهانی که در آن نیاز و حرمت انسانها فدای سود و سودآوری سرمایه میشود و

دنیای پر درد و محنت زده سرمایه داری معاصر.

کارگران!

دنیای امروز دنیای ما نیست. این جهان جنگ و تروریسم و کشتار، فقر و تبعیض و بیحقوقی و

فرارسیدن اول ماه مه، روز جهانی کارگر را به همه کارگران جهان تبریک می‌گوییم. اول ماه روز همبستگی و اتحاد و روز نمایش قدرت صف جهانی کارگران است. روز اعتراض و اعلام کیفیت خواست طبقه کارگر جهانی به



اول ماه مه و رهبران کارگری

اسد گلچینی

کمونیست و رادیکال خواهان برچیدن بختک سرمایه داری و حکومت اسلامی جنایتکار آن هستند و در این روز اعلام میکنند که در مقابل نظام سرمایه داری و دستگاه‌های اجیر شده اش از مجلس و رئیس

صفحه ۳

دو، روز کارگر بسیار مهم است. هر کدام از زاویه منافع طبقه خود. در ایران نیز زنده نگاه داشتن و یا حذف روز جهانی کارگر یک جدال بی وقفه کارگر و سرمایه دار بوده است. کارگران اگر مجال یابند بمشابه طبقه ای که زبان حال اکثریت جامعه است سخن می‌گویند. رهبران و فعالین

در مقابل، کارگران سنت اول ماه مه را حفظ کرده اند. جمهوری اسلامی را عقب زدند و اجازه نداده اند به بهانه های مضحک این روز را از طبقه کارگر و جامعه بگیرند.

چرا اول ماه مه مهم است؟

برای کارگران و سرمایه داران هر

اول ماه مه (۱۲ اردیبهشت) روز جهانی کارگر است. طبق معمول هر ساله در هر گوشه ای از جهان کارگران به خیابانها می‌آیند. در ایران تحت حاکمیت حکومت اسلامی، دولت و سرمایه داران به تعطیلی اول ماه مه تن نداده اند، برای حذف آن تلاش خود را کرده اند، و فعالین کارگر و اول ماه مه را تعقیب، زندانی، و مورد محرومیت قرار داده اند. همیشه تلاش کرده اند نمایشهای خانه کارگر و شوراهای اسلامی را به کارگران تحمیل کنند. اینها همه مورد کشمکش سخت کارگران با دولت و سرمایه داران بوده است.

ویژگی سرمایه داری دوره ما توحش عربیان و مفرط آنست. استثمار و نابرابری و فقر و بیحقوقی همیشه جزء ثابت نظام سرمایه داری بوده است اما آنچه پس از پیروزی سرمایه داری بازار آزاد بر سرمایه داری نوع دولتی نوع روسی شاهدیم، ابعاد تازه ای از توحش سرمایه داری را به نمایش میگذارد. میلیتاریسم و خودسری و افسارگسیختگی دولت آمریکا، میداندار شدن قوم پرستی و ناسیونالیسم و مذهب در عرصه سیاست جهانی و بویژه سر بر آوردن اسلام سیاسی و تروریسم کور در دهه اخیر، اینها از خصوصیات جهان یک قطبی بعد از شوروی است. تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی یکدیگر را توجیه و تقویت میکنند و به یکدیگر بهانه و زمینه رشد میدهند. این دور تسلسل توحش اسلامی - نظم نوینی که مشخصا در خاورمیانه و عراق به اوج رسیده است، راه حل سرمایه دارانه ندارد. سرمایه داری با بانک جهانی و بازار آزاد و استراتژی نظم نوین و میلیتاریسمش، جزئی از صورت مساله است و نه راه حل آن. جهان بر سر دوراهی توحش و یا سوسیالیسم قرار گرفته است. بشریت متمنن تنها با پرچم سوسیالیسم، میتواند تروریسم در هر شکل را جارو کند و بر توحش غالب بر جهان نقطه پایان بگذارد.

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پیام حمید تقوائی

از صفحه ۱

مردم دنیا قربانیان نظام سرمایه داری اند. اقلیتی ناچیز بخش اعظم ثروت را در اختیار خود دارند و اکثریت عظیم افراد جامعه در همه کشورها از بی حقوقی و بی تامینی و تبعیض و نابرابری رنج میبرند. سرمایه داری امروز برای حفظ این نظام ضدانسانی تمام ابزارهای عتیق و نوین تجمیق و سرکوب را بخدمت گرفته است. از مذهب و ناسیونالیسم و قومپرستی تا انحصار بر مدیای خبری و تبلیغی جهانی و تا پیشرفته ترین تجهیزات و تکنولوژی نظامی و کشتار جمعی همه در جهت توجیه و تحمیل نظام سرمایه داری بخدمت گرفته شده اند. حاصل، جهان وحشتزده، نا امن، و به قهقرا کشیده شده ایست که ترور و رعب و وحشت و ناامنی به جزء لاینجزای آن تبدیل شده است. سرمایه داری معاصر دنیا را تا مرز توحش و سبعتی که نظیر آن را تنها در دوران تاریک قرون وسطی میتوان یافت به عقب برده است. و در مقابل، بشریت متممندان

کارگران!

جمهوری اسلامی وحشی ترین و عقب مانده ترین حکومت سرمایه داری در ایران است، باید آخرین آن نیز باشد. این حکم شما کارگران و خواست زنان و جوانان و معلمان و دانشجویانی است که در حزب و برنامه يك دنیای بهتر شما راه رهایی خود را یافته اند.

در اول مه امسال در يك صف متحد و یکپارچه به خیابانها بیایید، پرچم برابری و آزادی کل جامعه را برافرازید و ناقوس مرگ جمهوری اسلامی را بصدا درآورید.

زنده باد همبستگی جهانی کارگران!
زنده باد سوسیالیسم!

حمید تقوائی،

دبیر کمیته مرکزی

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ آوریل ۲۰۰۴

ستون اول

از صفحه ۱

در این میان جامعه ایران موقعیت ویژه ای دارد. از یکسو ایران تنها کشوری است که اسلام در آن به حکومت رسیده و از اینرو به پشتوانه و ستون فقرات اسلام سیاسی در خاورمیانه و در جهان تبدیل شده است. سرنگونی جمهوری اسلامی ضربه تعیین کننده ای بر بیکر اسلام سیاسی در سطح جهانی وارد خواهد کرد.

از سوی دیگر آلترناتیو سیاسی طبقه کارگر در برابر کل جهان به قهقرا کشیده شده سرمایه داری معاصر، در ایران بیش از هر کشور دیگری تشکل و حزبیافته و پا به صحنه مبارزه گذاشته است. پرچم يك دنیای بهتر به زبان فارسی و در ایران بلند شده است، اما کیفر خواست طبقه کارگر همه کشورها علیه کلیت نظام سرمایه داری در جهان است. کمونیسم کارگری نقد

مائیتور

تنظیم: سیاوش دانشور

منتخب و فشرده اخبار حزب: اطلاعیه ها، آکسیونها، فعالیتهای کادرهای حزب، گزارشهای دریافتی، ...

گرامیداشت قربانیان
میکنونوس و محکومیت
تروریسم جمهوری
اسلامی

بنا به اطلاعیه ای از تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری، روز بیست آوریل در شهر برلین مراسمی بمناسبت پرده برداری از لوح میکنونوس برپا شد. در اطلاعیه آمده است: "در این مراسم شهردار منطقه شارلتون بزرگ که مبتکر نصب این لوح یادبود قربانیان تروریسم جمهوری اسلامی بوده است و نماینده ای از حزب دموکرات کردستان و دو تن از بستگان قربانیان میکنونوس و وکیل مدافع آنها سخنانی ایراد کردند. هانس یواخیم اریگ وکیل خانواده قربانیان میکنونوس در سخنانش گفت: "برخلاف آنچه در لوح آمده است که آمرین و اجرا کنندگان ترور میکنونوس دولت وقت یا سابق جمهوری اسلامی بوده اند، اینان حاکمان امروز رژیم جمهوری اسلامی هستند. در دادگاه میکنونوس رفسنجانی، خامنه ای و علی فلاحیان بعنوان آمرین ترور میکنونوس شناخته شدند".

در اینروز تشکیلات آلمان حزب در محل برپایی لوح یادبود قربانیان میکنونوس، و همزمان با آن پیکتی را با شعار "جمهوری اسلامی محکوم است" علیه تروریسم این حکومت بر پا کرد. در این پیکت عکسهای شماری از قربانیان تروریسم جمهوری اسلامی و پلاکاردهایی در محکومیت اعدام و سنگسار و سرکوب در ایران به نمایش گذاشته شد و پس از اعلام يك دقیقه سکوت توسط نسرین رمضانعلی بیاد قربانیان رژیم اسلامی سخنرانیهایی توسط نسان نودینیان و سیاوش مدرسی از مسئولین تشکیلات آلمان و اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایراد شد. آنها با خانواده ها و بستگان و دوستان قربانیان میکنونوس تسلیت گفتند و بر مبارزه قاطع علیه جمهوری اسلامی و لزوم سرنگون کردن این

حکومت تاکید کردند.

تظاهرات فدراسیون در
سوئد در دفاع از حقوق
پناهجویان

به فراخوان فدراسیون سراسری پناهنندگان ایرانی، ساعت ۴ بعدازظهر روز چهارشنبه ۲۱ آوریل ۲۰۰۴ تظاهرات بزرگی در میدان مقابل پارلمان سوئد در استکهلم در دفاع از مطالبات پناهجویان و در افشای جنایات حکومت اسلامی برگزار شد. فدراسیون واحد سوئد در اطلاعیه ای تحت عنوان "این فقط گوشه ای از قدرت ماست" اشاره

میکند که صدها نفر از شهرهای مالمو، یوتیبوری، نورشوپینگ، وسترسو، هالسستاهامار، کارلسکرنا، استکهلم، فالون، گیمو، اوسالا، یوله و بون در شمال سوئد شرکت کرده بودند. گروههای عکاس و فیلم بردار از روزنامه های "مترو" و "فالون تیدنینگ" "سیدسونسکا" و روزنامه "داگنر نی هتر" به تظاهرات آمده بودند تا گزارش و خبر تهیه کنند. و هر کدام گوشه هایی از آنرا منعکس کردند. غرفه اطلاعاتی، نمایشگاه عکس جنایات جمهوری اسلامی و گروههای تئاتر از شهرهای استکهلم و بون با نمایش جنایتهای جمهوری اسلامی در ایران توجه همگان را بخود جلب میکرد. در این آکسیون خبرنگاران رادیوهای فارسی زبان از شهرهای یوتیبوری و استکهلم و نیز تیم خبر تلویزیون انترناسیونال و رادیو سراسری انترناسیونال حضور داشتند و گزارش تهیه کردند. اعضای از گروه هنری "گلبانگ" برای اعلام حمایت از خواسته های پناهجویی برنامه هنری ارزنده ای اجرا کردند، که بسیار مورد توجه قرار گرفت! حضور سازمانها و احزاب سوئدی چشمگیر و حاکی از جلب حمایت از تظاهرات فدراسیون برای حقوق پناهندگی بود.

کیمیا پازوکی، دبیر فدراسیون در استکهلم، مجری برنامه، شروع تظاهرات را اعلام کرد و در مورد

اهداف این تظاهرات، بزبانهای فارسی و سوئدی سخن گفت. اسماعیل مولودی دبیر فدراسیون کشوری در سوئد، بزبانهای فارسی و سوئدی وضعیت وخیم پناهندگی، و قوانین ضد انسانی دولت سوئد را بر شمرد، "Fredrik Malm" فردریک مالم از حزب لیبرال مردم سوئد، سیامک بهاری دبیر تشکیلات سوئد حزب کمونیست کارگری ایران و اولریکا کارلسون Ulrica Karlsson از حزب مدرات، مهین علیپور از کمیته بین المللی دفاع از حقوق زنان، نماینده سازمان هیچکس غیرقانونی نیست، آیتا دورانتی از اسپیل کمیته سخنرانی کردند.

هیئت نمایندگی فدراسیون، اسماعیل مولودی، کیمیا پازوکی و مهین علیپور، در ملاقات با مسئول و سخنگوی کمیسیون اجتماعی پارلمان و نیز نماینده پارلمان در وزارت امور مهاجرین تاکید کردند که خواهان آنند که ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، بعنوان کشوری ناامن شناخته شود و اسامی بیش از پانصد پناهجوی ایرانی که فعال سیاسی علیه جمهوری اسلامی بوده اند و اکنون یا منتظر جوابند و یا مخفی زندگی میکنند را به نمایندگان پارلمان سوئد ارائه کردند. هیئت پارلمانی بر نقض قوانین در ایران اعتراف داشتند و قول دادند که این مذاکرات را به گوش اعضای کمیسیون برسانند و این مسئله را پیگیری کنند.

در هنگامی که هیئت نمایندگی فدراسیون در حال مذاکره بودند نمایندگان احزاب پارلمانی، از حزب چپ، مردم، مدرات و محیط زیست و سنتر، طبق برنامه ریزی تعیین شده، در پائل و میزگرد خیابانی تظاهرات شرکت کردند و درمورد تغییر قوانین پناهندگی اظهار نظر کردند. هیئت نمایندگی پس از بازگشت از ملاقات با کمیسیون اجتماعی پارلمان سوئد، نتیجه و جزئیات گفتگوی خود را برای حاضرین توضیح دادند. *

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱ اول ماه مه و رهبران کارگری

جمهور تا رهبر و سپاه و اطلاعات و حوزه علمیه و لشکر اسلام، طبقه کارگر و حزبش قرار دارد که می‌خواهند آزادی و برابری و رفاه در جامعه مستقر شود. این خواست و نیاز اکثریت مردم در جامعه است. این خواست‌ها همراه با نفرت عمیق از ۲۵ سال حاکمیت سیاه رژیم، مساله و معضل نسلهائی است که رو در رو با جمهوری اسلامی است، مبارزه با رژیمی که با هیچ وصله ای به جامعه نمی چسبد. در چنین وضعیتی به استقبال اول ماه مه و تدارک مراسم های آن میرویم و از این لحاظ هم اول مه در ایران اهمیت دو چندان پیدا کرده است.

در مقابل، برای رژیم و سرمایه داران هم مهم و حیاتی است که خود را از شو اول مه رها کنند. اول ماه مه مظهر اتحاد و اعتراض طبقه کارگر به شرایطی است که سرمایه داری در جامعه مستقر کرده است، این اعتراضی رادیکال و انقلابی است و به همین دلیل همه قدرت و نیرو برای مقابله با کارگران بکار گرفته میشود. در این روز همبستگی میلیونها کارگر و خانواده هایشان در هر کشور و در سراسر جهان متحقق میشود، اعتراض به سرمایه داری مخرج مشترک این حرکت جهانی است. سرمایه داران و دولت هایشان نیز در تلاش همیشگی برای محو کردن این همبستگی بوده اند، در همه کشورهای سرمایه داری این کشمکش در جریان بوده است. مثلاً در آمریکا و کانادا اول ماه مه را حذف کرده اند، در انگلیس این روز تعطیل نیست. در واقع طبقه کارگر اجتماعی و انقلابی همواره بزرگترین خطر برای سرمایه داران بوده است، و همه تلاشها صورت میگیرد که آنرا منحرف و محدود و یا محو کنند. برقراری استبداد و خفقان هر جا که بتوانند، برای همین است که طبقه کارگر را با ارزترین شکل صاحب شوند و هر جا که نتوانند آنرا مهار و کنترل کنند. اما هر جای این کره خاکی، هر جا نشانی از آزادی و رفاه مانده باشد، و هر جا دستاورد و اندک رفاهی توانسته است به جامعه وارد شود، مدیون جنبش سوسیالیستی کارگران بوده است.

در ایران هم این کشمکش در جریان بوده است، از شاه و خمینی تا حاکمان کنونی خواسته اند اول ماه

مه را محو کنند و دور بزنند تا همبستگی و اتحاد این طبقه در جامعه ظاهر نشود و خواستههای جاری و مطرح نشود. اما پاسخ طبقه کارگر در ایران برپایی و گرامی داشت اول ماه مه در هر سال بوده است و هیچ محدودیتی نتوانسته است این روز را از دستور طبقه کارگر و بخش قابل ملاحظه ای از رهبرانش دور کند.

اول ماه مه را باید گرامی بداریم چرا که این روز متعلق به طبقه کارگر جهانی و متعلق به انسانیت است، متعلق به طبقه ای است که میتواند نجات دهنده جامعه از یوغ استعمار و جدایی انسانها بر اساس کارگر و سرمایه دار، مذهب، ناسیونالیسم، رنگ، نژاد، و همه تبغیض ها و تحقیرها در جامعه باشد. اول ماه مه جشن بزرگ ماست.

رهبران کارگران و اول ماه مه

روز کارگر روز ابراز وجود يك طبقه، اتحاد يك طبقه و روز ابراز وجود رهبران این طبقه است. روز کارگر میتواند روزی باشد که خیابانها و میادین اصلی شهرها و بلند گوها دیگر نه در اختیار خانه کارگر مزدور و ابزار دست سرمایه داران و حکومت اسلامی، و نه در اختیار نماینده مجلس رژیم و دکتر و پروفیسورهای ملی مذهبی دانشگاه، بلکه واقعا در اختیار کارگران نفت و معادن و برق و خود رو سازنها و ... باشد که با کارگران و همه جامعه سخن بگویند و استعمار و استبداد را به نقد بکشند. تلاش همیشگی سرمایه داران و دولتهای آنها در اول مه نیز برای جلوگیری از این اتفاقات است چرا که اعتراض رادیکال طبقه کارگر میتواند همه اعتراضات مردم و مبارزات مردم را به خود وصل کند و همه محرومان جامعه و مردم معترض خواستههایشان را در مبارزه طبقه کارگر بیابند.

متأسفانه گرامی داشت اول ماه مه هنوز آنچنان که باید در میان توده وسیع کارگران و خانواده هایشان معمول نشده است و به عنوان يك روز بسیار مهم این طبقه و همچنین جامعه در نیامده است. هنوز جوانان این طبقه از سابقه و سنت هایی که در حداقل ۲۵ سال گذشته وجود داشته است مطلع نیستند، هنوز کارگران و رهبرانشان نتوانسته اند از تکرارخانه و سالن

های کوچک و محدود مراسمهایشان را به خیابانها و میادین و تالار های شهر بیاورند و روز کارگر را آنچنان که باید به تجمع میلیونها کارگر و خانواده های کارگری و مردم محروم تبدیل کنند. همان اتفاقی که هر ساله در بسیاری از کشورهای پیشرفته می افتد و در هر پایتختی و در هر شهر بزرگ کارگران در مارش های میلیونی جامعه را متوجه قدرت خود میکنند.

اول ماه مه برای ما کارگران و کل جامعه باید تعطیل عمومی باشد و این يك خواست طبیعی است، تولید کنندگان همه ثروت جامعه در اینروز باید کار را متوقف کنند تا به جشن اتحاد خود و همبستگی بین المللی اش بپردازد. به خیابانها بیاید و به شرایطی که در آن قرار داده شده است اعتراض کند. این را باید امسال هم در دستور داشت. این نیازی است که برای جامعه متحول و انقلابی ایران و طبقه کارگر اهمیت ویژه ای یافته است. این توقع از رهبران کارگری غیر واقعی نباید باشد. مبارزه هر روزه کارگران و همه سوخت و سازی که وجود دارد را باید برسمیت شناخت و مبنا قرار داد. هر ماه و هر سال هزاران حرکت اعتراضی از سوی کارگران شاغل و بیکار، جوان و پیر، زن و مرد در جریان است و هر کدام از این اعتراضات سخنگو و رهبر و پیشروان خودش را دارد و همه میدانند آنها چه نقشی در این حرکتها دارند. هر جا تشکلی وجود دارد، هر جا جمعی هست و هر جا قانونی از اعتراض در میان کارگران است این رهبران هم موجودند و اول ماه مه هم باید و میتواند بعنوان مهمترین روزی که این رهبران و کارگران را با هم در يك صف واحد گرد آورد دیده شود و برسمیت شناخته شود. تدارک و فراخوان اول ماه مه و وجود مراسم های توده ای و بزرگ بدون حضور این رهبران در چنین قامتی ممکن نیست و بنابراین توجه داشتن همه کمونیستهای کارگری و فعالین رادیکال در جنبش کارگری به این موضوع حائز اهمیت است. این تحرك و این فعالیت کار ماست، مراسم ها را از سالن های کوچک و کوه و صحرا به خیابانها و میادین شهر و محلات بکشانیم، توده کارگران و خانواده هایشان و مردم مبارز باید شاهد اتحاد و تصمیم طبقه کارگر و رهبران آن باشند.

جرقه اینها را در اول ماه مه باید زد. سوالات و نکات متعددی که در اول ماه مه از سوی فعالین و رهبران کارگری باید پاسخ داده شود وجود دارد. سخنرانان و سخنگویان هر تجمع و هر مراسمی لازم است که به مهمترین مسایل طبقه کارگر بپردازد، و لازم است که فوری ترین خواستههایش را در مقابل سرمایه داران و حکومت اسلامی بگذارند و در قطعنامه ها رئیس خواستههایشان را طرح و اعلام کنند. به نظر من برخی از این مسایل و سوالات اینها هستند.

استثمار و کار مزدی و استبداد باید برچیده شود و این اساسی ترین خواست طبقه کارگر است. تشکل و اعتصاب مهمترین ابزار دست طبقه کارگر است و باید آزاد باشد. خواست کارگران آزادی و برابری زن و مرد در جامعه است. چرا نباید اعلام کنیم که دستمزد کارگران باید برابر با حقوق نمایندگان مجلس باشد؟ چرا اول ماه مه تعطیل نیست؟ چرا از کوه و صحرا و سالنها نباید مراسمها و تجمع هایمان را به خیابان و میادین شهر آورد؟ به طبقه کارگر جهانی چه پیامی داریم؟ به زنان، به معلمان و جوانان و به همه محرومان جامعه چه می‌خواهیم بگوییم؟ به کارگران افغانی چه می‌گوییم؟ به طبقه کارگر عراق و مردم ستم دیده این کشور که در بین آتش دو تروریسم آمریکا و اسلام سیاسی قرار گرفته است چه پیامی داریم؟ کشتار کارگران در خاتون آباد را چگونه محکوم میکنیم و رژیم اسلامی را چگونه به محاکمه بکشیم؟ چرا کبری رحمانپور را آزاد نمیکند؟ پیام ما به همه بیکار شدگان و خانواده هایشان، به کودکان کار و خیابانی چیست؟ و...

طبقه کارگر آگاه و انقلابش انسان را در جامعه از استثمار و بردگی و جامعه را از مالکیت خصوصی و کار مزدی رها خواهد کرد. طبقه کارگر آگاه باید حکومت سرمایه داری را بر اندازد و جامعه را آنطور که میخواهد، یعنی آزاد و برابر و سوسیالیستی اداره کند. پاسخ ما این است و اگر هر جا مجال یابیم اینها را با صدای بلند و بهر شکلی که ممکن شود بیان میکنیم. مساله این است که جامعه با رهبرانی مواجه شود که این پاسخها را در برابر معضلات اصلی جامعه قرار میدهد. زمان این حرکت در ابعادی اجتماعی فرا رسیده است و

زمان داشتن چهره ها و شخصیت های این جنبش فرار رسیده است که به همه این سوالات و بسیاری معضلات جامعه از این زاویه پاسخ بدهند. اول ماه مه میتواند جرقه این حضور قدرتمند را اعلام کند.

رهبران کارگری!
کارگران جوان و کمونیست!

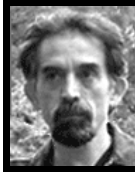
جنبش سرنگونی طلبی در ایران و همه جنبشهای مطرح در جامعه پیش میروند تا رهبران و سخنگویان خود را به جامعه معرفی کنند. هر جنبش آزادیخواهانه ای در ایران خواهد رفت که از سخنگویان و نمایندگان و رهبرانش برخوردار شود، جنبش کارگری هم میتواند اول ماه مه را به روزی برای عرض اندام رهبران خود در هر اجتماع و شهر و هر محله ای تبدیل کند. استبداد و خفقان و بیکار کردن و اخراج تا چه حد باید تحمل شود؟ دنیا شاهد جنبش عظیمی در ایران برای دور انداختن جمهوری اسلامی است، حکومت اسلامی در کوچه بن بست قرار گرفته است و کار را باید یکسره کرد، این نسل تصمیم به بازگشت ندارد. آن سالهای کشتار و اعدام دیگر تکرار نخواهد شد، قدرت آنرا به هیچ عنوان ندارند و انجام يك هزارم آن رژیم را به سرعت نابود خواهد کرد. رهبران و فعالین کارگری را دیگر براحتمی نمیتوانند مورد اخراج و پرونده سازی قرار دهند. آنزمان که کارگر جوان و کمونیست، جمال چراغ ویسی سخنران اول ماه مه در سنندج، زندانی و اعدام شد و رهبران کارگری را در سراسر ایران به زندان می انداختند و یا سر به نیست میکردند، گذشته است. اکنون نوبت تعرض طبقه کارگر است که در اتکا به حزب کمونیست کارگریش به این پیشروی دست بزند. معلمان و جوانان و زنان نیز منتظر حرکت شما هستند تا با آن همراه شوند.

در اول ماه مه اعلام کنیم که دیگر هر مبارزه ای و هر حرکت و اعتراضی نباید بدون حمایت بماند. هر رهبر کارگری باید مورد وسیعترین حمایت و پشتیبانی ها قرار بگیرد، رهبران اعتراضات کارگری باید با همدیگر در رابطه باشند.

اول ماه مه امسال به این لحاظ ها میتواند اول ماه مه دیگر و متفاوتی باشد. برگزار کنندگان و

در حاشیه رویدادها

سیاوش دانشور



بیش از دو دهه از حمله به دانشگاه‌های ایران و تصفیه خونین نسل انقلاب ۵۷ میگذرد و هنوز بانیان "دگراندیش" و "چماقدار - ژورنالیست" آن حاضر نیستند در چشم مردم داغدیده و قربانیان این وقایع نگاه کنند و یک معذرت خشک و خالی بخواهند! هنوز از سروش تا بهزاد نبوی و برادران "انحصار طلبان" در طویله مجلس اسلامی از جنایات خود دفاع میکنند. مردم ایران بزودی پرونده همه شان را در مقابل چشم دنیا در دادگاههای عادلانه ورق خواهند زد.

"دیپلماسی تروریستها!"

دولت آمریکا تراژدی زلزله بم را غنیمت شمرد و برخی از اقلام تحریمهای ایران را لغو کرد. این سیاست در چند ماه پیش توسط برخی ناظران سیاسی ایران "دیپلماسی زلزله" نام گرفت و حتی با "دیپلماسی پینگ پنگ" مقایسه شد. مردم بم هنوز در فقر و بدبختی و بیماری و بی سرپناهی دارند دست و پا میزنند و کمکهای ارسالی مردم و دولتها سراز بازارها و کیسه های گشاد آخوندها و سرمایه داران مفت خور در آورده است. آمریکا که امروز در عراق گیر کرده است و محتاج جمهوری اسلامی برای آزادی گروگانها و مهار گروههای تروریست دست ساز رژیم اسلامی است، تحت عنوان ادامه کمک به مردم بم، لغو تحریمها را سه ماه دیگر تمدید کرد. شاید اینبار بجای "دیپلماسی زلزله" که چیزی عاید طرفین نکرد، اطلاق "دیپلماسی تروریستها" به این اقدام آمریکا مناسبتر باشد. رویتر این اقدام دولت آمریکا را نه یک حرکت سیاسی بلکه "حسن نیت" آمریکا نسبت به ایران تلقی کرده است. اما این اقدام آمریکا عمیقا سیاسی است. نه فقط آمریکا بلکه همه دنیا و از همه بیشتر مردم ایران شاهدند که کمکی بدست مردم بم نرسید و عملا بم فراموش شد. امروز که جمهوری اسلامی آلباکن عراق شده است و کرکسهای سنگین و زنش آمریکا را تهدید میکنند که به نجف نزدیک نشود و گرنه حمام خون راه خواهد افتاد، بوش راهی ندارد جز اینکه دست بدامن جمهوری اسلامی شود. تروریستها در عراق به هم نیاز دارند. این دیپلماسی تروریستهاست، ربطی به مردم محروم و داغدیده بم ندارد. *

سالروز حمله به دانشگاه

اعدام کنند. دفتر تحکیم وحدت و انجمنهای اسلامی در دانشگاهها روی دوش این سرکوب خونین مستقر شدند. خمینی در پیام نوروزی سال ۵۹ فرمان این تهاجم وحشیانه را اعلام کرد: "دانشگاهها باید تصفیه شوند!" آروزها هر چه از زبان این کراحت تاریخ بیرون می آمد بجز بمب و گلوله و اعدام صحرایی نتیجه بلافصلی نداشت. دستور حمله به کردستان "از زمین و هوا و دریا" یک قلم دیگر بود. اما دانشگاهها موضوعی سراسری تر بودند. در اواخر فروردین ۵۹ دانشجویان تبریز رفسنجانی را از دانشگاه فراری و بیرون انداختند. روز بعد حمله به دانشگاه تبریز شروع شد. در تهران و شهرهای دیگر پیاده نظام "انقلاب فرهنگی"، یعنی چماقداران حزب جمهوری اسلامی در معیت "پریزیدنت بنی صدر لیبرال" به دانشگاهها حمله کردند. یک هفته طول کشید، یک هفته خون ریختند و جنایت کردند تا دانشگاهها را "تصرف" کنند. هنوز کسی آمار دقیقی از کشته های آن روزها ندارد. چماقداران و چاقوکشان آروزها همین "دکتر و مهندس" های امروز بودند. همین دو خردادبها، ملی مذهبی ها، لمپن چاقو کش هائی که امروز لقب "تئوریسیین و استراتژیست اصلاحات" گرفته اند! آنبوره همه شان زیر پرچم خمینی خون می ریختند. در کردستان، در ترکمن صحرا، در کارخانه ها، در دانشگاهها، در کمیته های انقلاب و در زندانها. همانندوره هم هواداران و همکاران این فاشیستهای اسلامی که برای سرکوب انقلاب به میدان آورده شده بودند، دو خردادبهای امروز بودند، حزب توده و فدائی اکثریت، جبهه ملی و نهضت آزادی. "انقلاب فرهنگی" و حمله به دانشگاه برای اسلامی کردن آن، یک مرحله مهم از سرکوب انقلاب ۵۷ است. سی خرداد سال ۶۰ و نسل کشی خونین نسل انقلاب ۵۷ بعد از فتح این سنگرها میسر شد.

۱۸ تیر چند سال پیش در واقع بیان شکست "انقلاب فرهنگی" سال ۵۹ و بیست سال سرکوب چپ و کمونیسم در دانشگاههای ایران بود.

شکست و سرکوب انقلاب ۵۷ مقاطع مهم و تعیین کننده ای دارد؛ در سطح بین المللی کنفرانس گوادلوپ و توافق آمریکا و دولتهای غربی برای جلو راندن جریان اسلامی. در سطح داخلی خواباندن اعتصاب نفت، حمله به کردستان و ترکمن صحرا، سرکوب اعتراضات کارگری، حمله به زنان و فرمان حجاب اجباری، حمله به دانشگاه و "انقلاب فرهنگی"، حمله به سازمانهای و احزاب سیاسی، و بالاخره سرکوب خونین خرداد شصت. قبل از روزهای تاسوعا و عاشورا، که اسلاميون در خیابان رژه می رفتند و امثال هادی غفاری فریاد میزد که "امام دستور حمله به پادگان نداده"، کار مهمتری صورت گرفته بود. اعتصاب نفت که کمر رژیم شاه را شکسته بود و میرفت که کمر سرمایه داری در ایران را نیز بشکند، توسط نمایندگان خمینی از جمله مهدی بازرگان مهار شده بود. این مقطعی است که ابتکار عمل سیاسی در انقلاب ۵۷ از دست جریان سوسیالیستی کارگران بیرون می آید و به دست جریان اسلامی می افتد. این نقطه شروع شکست انقلاب ۵۷ است. اما سرکوب و بخون کشیدن یک انقلاب عظیم با تمایلات چپ و آزادیخواهانه به اقدامات دیگری نیاز داشت. حکم خمینی مبنی بر اجباری بودن حجاب مرحله خونین دیگری است. دانشگاهها که اساسا در کشورهای دیکتاتوری سنگر چپها و محل رشد کمونیسم و عقاید آزادیخواهانه است، سنگر بعدی بود که باید فتح میشد. آنچه در جمهوری اسلامی به "انقلاب فرهنگی" مشهور شد، داستان یک پاکسازی و سرکوب چپ در دانشگاههای ایران است. این مقطع از تاریخ جمهوری اسلامی با نام "لوتر اسلام" جناب عبدالکریم سروش تداعی میشود.

حدود سه سال دانشگاهها را بستند تا هزاران دانشجو و استاد را پاکسازی، اخراج، دستگیر، زندان و

انجمن مارکس - حکمت لندن بمناسبت هفته منصور حکمت



یکشنبه ۶ ژوئن ۲۰۰۴

سمینار یکروزه

در آستانه پنجاه و سومین سالگرد تولد منصور حکمت و در گرامیداشت زندگی کوتاه و پربار بزرگترین متفکر مارکسیست معاصر

برنامه سمینار

- ۱۱ صبح: معرفی برنامه - **کوروش مدرسی**
۱۱:۱۵ جایگاه کاپیتال مارکس - **نمایش فیلم منصور حکمت**
۱۲ نگاهی به آثار اخیر منصور حکمت - **فاتح شیخ**
۲ - ۱۲:۳۰ ناهار
۲ منصور حکمت و تجربه شوروی - **کوروش مدرسی**
۲:۳۰ منصور حکمت و مساله زن - **مینا احدی**
۳ - ۳:۳۰ تنفس
۳:۳۰ کمونیسم منصور حکمت و قدرت سیاسی - **رحمان حسین زاده**
۴ "اساس سوسیالیسم انسان است" - **آذر ماجدی**

محل جلسه بعدا اعلام خواهد شد
ورود برای عموم آزاد است

برای اطلاعات بیشتر با نسرین جلالی، مدیر اجرایی انجمن مارکس - حکمت لندن تماس بگیرید:

Tel: (+44) 07708 125993
Email: marxhekmatsociety@ukonline.co.uk
http://www.marxsociety.com

از صفحه ۳ اول ماه مه و رهبران کارگری

رهبران و فعالین این روز و جمع هایی که به تدارک این روز مشغولند وضعیت جامعه را در برابر خود دارند و باید به آن پاسخ در خور بدهند. اول ماه مه، همه جا و در میان کارگران و مردم محروم را هرچه بیشتر معرفی کنیم و با تراکت و شعارها و پلاکاردهای گرامی باد

اول ماه مه، "تابود باد سرمایه داری"، "این اوضاع را دیگر تحمل نمیکنیم"، "یاد کارگران جان باخته در خاتون آباد گرامی باد"، و ... همراه با در دسترس قرار دادن عکس های مارکس و منصور حکمت فضایی پر از اشتیاق و شادی در آستانه اول ماه مه ایجاد کنیم. *